

کشتار اعضای مجاهدین خلق ایران محکوم است!

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

در روزهای اخیر خبرهای گوناگونی در رابطه با حملات هوایی و زمینی به پایگاه‌های سازمان مجاهدین خلق و تعقیب اعضای این سازمان در عراق و ممانعت از خروج آنان و خانواده‌هایشان از این کشور، منتشر گردید تا این که سرانجام فرماندهی نظامی نیروهای آمریکا رسماً اعلام کرد که هواپیماهایشان پایگاه‌های این سازمان را در عراق بمباران کرده است. قبل از این نیز یکی از مقامات بریتانیایی در تهران گفته بود که پایگاه‌های مجاهدین خلق بمباران شده است.

اردوگرین استاک، وابسته فرهنگی سفارت بریتانیا در تهران، در گفت‌وگویی با بخش فارسی رادیو «بی‌بی‌سی»، در تاریخ ۱۴ آوریل، گفت که نیروهای آمریکایی دست به حملاتی علیه پایگاه‌های مجاهدین خلق در عراق زده‌اند. وی همچنین تأکید کرد که این سازمان، هیچ آینده‌ای در عراق ندارد و مقام‌های ایرانی کاملاً در جریان اقداماتی که علیه اعضای این سازمان در عراق انجام شده قرار گرفته‌اند. این اظهار نظر مقام رسمی سفارت بریتانیا در تهران، آشکارا نشان می‌دهد که برای کشتار اعضای مجاهدین خلق در عراق، معامله‌ای بین رژیم جمهوری اسلامی و آمریکا و بریتانیا صورت گرفته است. احتمالاً یک وجه این معامله می‌تواند عدم دخالت ایران در عراق و حمایتش از شیعیان جنوب این کشور باشد که در ازای آن آمریکا و بریتانیا نیز مجاهدین خلق ایران را کشتار کنند و باقی مانده این سازمان را نیز خلع سلاح نمایند.

از سوی دیگر ژنرال ریچارد مایزر، رییس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا، روز سه‌شنبه ۱۵ آوریل، در یک کنفرانس مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در مرکز مطبوعات خارجی در واشنگتن، پس از گزارش کوتاهی در مورد وضعیت در عراق، به سئوالات خبرنگاران پاسخ داد. خبرنگار یکی از رسانه‌ها از ژنرال مایزر سؤال کرد: گزارش‌های متعدد دیگری نیز در مورد بمباران پایگاه‌های یک گروه دیگر، یعنی گروه اپوزیسیون مجاهدین خلق که در عراق علیه حکومت ایران فعالیت داشته، انتشار یافته است، آیا این گزارش‌ها صحت دارد؟ ژنرال مایزر گفت: ما اردوگاه‌های مجاهدین خلق را بمباران کردیم و هنوز در جست‌وجوی عناصر مجاهدین خلق در داخل عراق هستیم. این احتمال هست که بعضی از آن‌ها به زودی خود را تسلیم نیروهای ائتلاف کنند. این ژنرال آمریکایی، در پاسخ به سؤال دیگری که آیا به نظر شما، بمباران پایگاه‌های مجاهدین خلق، به بهبود مناسبات ایران و آمریکا کمک خواهد کرد، گفت: این سئوالی سیاسی است که من نمی‌توانم به آن پاسخ دهم. این سؤال بهتر است از کالین

پاول وزیر امور خارجه آمریکا پرسیده شود تا از من.

بنا به گزارش خبرگزاری فرانسه از «امان» پایتخت اردن، به نقل از مسئولان یک سازمان بین‌المللی غیردولتی گزارش داده است که بیش از ۷۰ نفر از اعضای مجاهدین خلق ایران، در منطقه‌ای بین مرز عراق و اردن متوقف شده‌اند. این مسئول گفت: این ۷۰ نفر از اعضای مجاهدین خلق، دارای کارت‌های پناهندگی فرانسوی، آلمانی، کانادایی و آمریکایی هستند که در وضعیت بلاتکلیفی در چند کیلومتری گذرگاه مرزی «الکرامه» اردن به سر می‌برند. یکی از منابع دیپلماتیک گفت: ۲۸ نفر از این افراد می‌گویند که دارای مجوز پناهندگی کشور فرانسه هستند. یکی از این افراد اشرف السادات (مرضیه) ۷۷ ساله از خوانندگان معروف است.

همچنین سازمان مجاهدین خلق، اطلاعیه‌هایی را مبنی بر حملات عوامل اطلاعاتی جمهوری اسلامی، به پایگاه‌هایشان انتشار داد و نوشت که، ده‌ها نفر از اعضای این سازمان جان خود را از دست داده‌اند و یا زخمی و مفقود شده‌اند.

بدنبال این وقایع عبدالله رمضان‌زاده، سخن‌گوی رژیم آدم‌کش و تروریست جمهوری اسلامی اعلام کرد که با توجه به بمباران مقرهای سازمان مجاهدین توسط هواپیماهای آمریکایی در عراق، ایران آماده است اعضای عادی این سازمان را بپذیرد. وی در مورد رهبران این سازمان نیز گفت که هیچ کشوری نباید به آن‌ها پناه دهد و آن‌ها باید برای محاکمه، به ایران مسترد شوند. دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، در نامه‌ای به خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، خواستار عفو اعضای سازمان مجاهدین خلق، که در عراق است شد.

این‌ها سخنان و ادعاهای رژیمی است که در ۲۴ سال گذشته بیش از صد هزار نفر از مخالفین خود، از جمله اعضای مجاهدین خلق ایران را اعدام کرده است. رژیمی که در خارج از مرزهای ایران نیز مخالفین را تهدید و ترور می‌کند و آرشيو پلیس مخفی‌های جهان پر از پرونده‌های تروریست‌ها جمهوری اسلامی است. رژیمی که زندان‌های پر از زندانیان سیاسی است و کسی از وضع درناک آنان خبر ندارد. رژیمی که مورد نفرت اکثریت مردم ایران است و این مردم به عناوین مختلف نشان داده‌اند که رژیم جانی و تروریست و فاشیست جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند. رژیمی که سردمداران آن از خامنه‌ای، رفسنجانی، خاتمی تا سخن‌گویانش مانند رمضان‌زاده، دست‌شان به خون ده‌ها هزار انسان آلوده است و یک جامعه هفتاد میلیونی را به زنجیر اسارت و اختناق و فقر و فلاکت کشیده‌اند. رژیمی که آگاهانه چندین میلیون جوان را ناامید و معتاد کرده است. رژیمی که صدها هزار دختر و زن را برای تامین مایحتاج زندگی‌شان به تن فروشی وادار ساخته است. رژیمی که در حاکمیت آن جوانان برای زنده ماندن مجبورند ارگان‌ها بدن خود از جمله کلیه‌هایشان را بفروشند. رژیمی که دست‌مزد ناچیز کارگران را پرداخت نمی‌کند و اعتراض آن‌ها به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب می‌کند، در حالی

که سردمداران و آقازاده‌ها و نورچشمی‌هایشان به دزدی، رشوه‌گیری، غارت و چپاول و فعالیت مافیای و تروریستی و قاچاق مشغولند و در ثروت می‌لوندند. نهایت امر در حاکمیت رژیم که هیچ یک از شهروندان از تعرض مامورین سرکوب‌گر و متجاوز علنی و مخفی آن، حتا به حریم خصوص‌شان نیز آرامش و مصونیت ندارند. بر این اساس چنین رژیمی، مانند رژیم نازی‌ها در آلمان، باید از تاریخ بشر محو گردد و سردمداران آن نیز به دلیل جنایت‌های بی‌شمار علیه بشریت محاکمه شوند. نه این که سردمداران آن علی‌رغم این همه جنایت بی‌شرمانه جرات این را داشته باشند که خواهان استرداد مخالفین خود از جمله مجاهدین خلق ایران شوند. گستاخی سردمداران جمهوری اسلامی از آن‌جا ناشی می‌شود که دولت‌های به اصطلاح «دمکرات و متمدن غرب»، برخوردشان به حقوق و آزادی‌های انسان با تزویر و ریا است. این‌ها فقط به منافع اقتصادی و سیاسی خود فکر می‌کنند و حرمت انسان برایشان بی‌ارزش است. تاکنون‌های دادگاه‌های کشورهای مختلفی از جمله آلمان، آرژانتین، فرانسه، ترکیه و... سردمداران جمهوری اسلامی را به عنوان تروریست محکوم کرده‌اند، اما هیچ کدام از این دولت و نهادهای مدافع حقوق بشر بورژوازی یک گام عملی نیز در این مورد بر نداشته‌اند. در چنین شرایطی رمضان‌زاده‌ها گستاخانه و بی‌شرمانه به خود جرات می‌دهند خواهان استرداد مخالفین خود شوند که از قبل پای‌های دار را برای دار زدن آن‌ها آماده کرده‌اند.

همه سردمداران جمهوری اسلامی، جنایت‌کار و تروریست هستند. این‌ها باید در تریبونال‌های بین‌المللی به عنوان جنایت‌های بی‌شمارشان، نه تنها علیه مردم ایران، بلکه علیه بشریت محاکمه شوند. جنایات رژیم جمهوری اسلامی، فراتر و به مراتب بیش‌تر و گسترده‌تر از حکومت نازی‌ها و هیتلر است. از این رو باید سفارت‌ها، کنسول‌گری‌ها، مراکز فرهنگی و مساجد این رژیم، در خارج کشور، به عنوان مکان‌هایی که برای توطئه، تهدید و ترور مورد استفاده قرار می‌گیرند تعطیل شوند تا این رژیم، در انزوای کامل دیپلماتیک (نه محاصره اقتصادی) قرار گیرد. همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم ایران، مانند همبستگی تاریخی و پر عظمتی که با مبارزات مردم آفریقای جنوبی بر علیه سیستم آپارتاید، به وجود آمد، با کارگران، زنان، جوانان، آزادی‌خواهان، کمونیست‌ها و مردم محروم و تحت ستم ایران، نیز به وجود آید تا آنان با این پشتوانه بین‌المللی محکم و استوار بتوانند هر چه زودتر رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنند و تاریخ نوین خود را با معیارها و ارزش‌های جهان‌شمول انسان‌های آزاد و برابر بسازند.

مسئله برای نقد سیاست‌ها و عملکرد سازمان مجاهدین خلق، همیشه فرصت هست، اما اکنون باید از هر امکانی استفاده کرد تا جلو حملات وحشیانه جمهوری اسلامی و عوامل این رژیم در عراق، بر علیه اعضای این سازمان و همچنین بمباران پایگاه‌های آن از سوی نیروهای آمریکایی و بریتانیایی را گرفت. طبیعی است که هر فرد و سازمانی حق آزادی بیان و قلم دارد تا افکار، سیاست‌ها و عملکرد

مخالفین خود را مورد نقد قرار دهد، اما کسی مجاز نیست حرمت و موجودیت انسانی را زیر سؤال ببرد. اکنون سازمان مجاهدین خلق در معرض یک خطر بزرگ و تراژدی انسانی قرار دارد، از نابودی این سازمان فقط جمهوری اسلامی سود می‌برد و از کشتار افراد و وابستگان سازمان مجاهدین خلق نیز هیچ کس جز جمهوری اسلامی، جشن نمی‌گیرد.

روشن است که آمریکا و بریتانیا، در حمله به عراق همه معیار و کنوانسیون‌های سابق بین‌المللی را زیر پا گذاشتند و با بمباران بیمارستان‌ها، تاسیسات آب و برق، پل‌ها و جاده‌ها، هتل‌ها و منازل مردم و قتل عام ساکنان آن بربریت و توحش سیستم سرمایه‌داری به نمایش گذاشتند. این نیروهای اشغال‌گر با محاصره شهرها اجازه ندادند آب و غذا و دارو به مردم و به ویژه کودکان و زنانی برسد که با ریختن بمب‌های ناپالم و خوسه‌ای و آتش‌زا و سمی در معرض خطر مرگ، بیماری‌های مسری و گرسنگی بودند. با مردم عادی بدرفتاری کردند و اکنون نیز مردمی را که با آن‌ها به عنوان نیروهای اشغال‌گر مخالفت می‌کنند، بی‌رحمانه به گلوله می‌بندند.

در خاتمه باید توطئه غیرانسانی و جنایت‌کارانه آمریکا، بریتانیا با رژیم جمهوری اسلامی ایران، بر علیه سازمان مجاهدین خلق را شدیداً محکوم کرد و نیز مدافع جان و حرمت انسانی اعضای این سازمان شد. خواهان قطع فوری حملات هوایی و زمینی به پایگاه‌های مجاهدین خلق گردید و خواهان تضمین امنیت جانی اعضای این سازمان شد. همچنین اعضای این سازمان باید با دخالت و حمایت احزاب، سازمان‌ها، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و به خصوص کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، در چهارچوب کنوانسیون ژنو، اجازه پیدا کنند تا از عراق خارج شوند.